

مهاجرت، جستوجوی اول

نیوشا طبیبی

۱- در خبرها آمده که جستوجو برای کلمه مهاجرت در گوگل از سوی ایرانیان در چند روز گذشته چند برابر شده است. پرسشها درباره چگونگی مهاجرت از ایران و شرایط کشورهای دیگر برای پذیرش مهاجر، در کانالهای تلگرامی مربوطه به طرز بیسابقه‌ای فزونی گرفته. قصدم البته سیاه‌نمایی نیست. ده‌ها بار در همین جا و از همین قلم مطالبی در باب امید به آینده و مذمت مهاجرت و اینکه در همه جای جهان و هر کشوری مشکلاتی کم و بیش وجود دارند، به عرض خوانندگان محترم رسیده است. موضوع این یادداشت ابراز نگرانی از ناامیدی فرزندان وطن از بهبود اوضاع است. نگرانی از هجرت نیروی توانمند و جوان و کارآمد به کشورهای دیگر.

۲- عده زیادی از موسیقیدانان و ترانه‌سرایان و شاعران و نویسندگان و فیلمسازان در سالهای گذشته، آثاری با موضوع مهاجرت آفریده‌اند. فصل مشترک تمامی این آثار امید به زندگی بهتر در وطن و ماندن و مقاومت برای دستیابی به کیفیتی است که عده‌ای در آن سوی مرزها جستوجو می‌کردند. از میان فیلمسازان موضوع اصلی تقریباً تمامی فیلم‌های سامان مقدم، درباره مهاجرت است. فیلم آدم برفی داوود میرباقری هم از همین دست آثار است. شخصیت‌های اصلی فیلم با آنکه هر کدام به دلیلی آواره و در به در شده‌اند اما هنوز رگ حیاتشان به ایران وابسته است. «اسی در به در» با بازی درخشان داریوش ارجمند، در سکانس پایانی فیلم می‌گوید: «آدم می‌خواد بمیره هم بره ایران بمیره...» یادآوری این جمله همواره اشک به چشم من می‌آورد. حتی برای مردن هم خاک وطن کیفیت دیگری دارد.

۳- من خود به زخم هجران و درد دوری از وطن مبتلا شده‌ام. روزی نیست که از دوری اشک به چشم نیاید و بغض راه گلو را نبندد. ایرانی در دوری از ایران هر منظره و چشم‌اندازی را می‌بیند، برای زندگی وارد هر شهری می‌شود، آن را به گوشه‌ای از میهن تشبیه می‌کند تا بتواند این درد را تحمل کند. طعم‌ها و مزه‌ها را با آنچه در ایران خورده است و در خاطرش مانده مقایسه می‌کند. حتی نسل‌های دوم و سوم ایرانیان در مهاجرت که شاید اصلاً وطن را ندیده‌اند علاقه و تعصبی عجیب به آب و خاک و ملیت خود دارند.

۴- یأس و ناامیدی از بهبود نسبی سطح کیفی زندگی، احتمالاً مهم‌ترین

